

معلم دانشمندا



علی: آقا معلم گفته باید تحقیق کنیم. موضوعش خیلی سخت نیست. کافی است زندگی نامه یکی از دانشمندان اسلامی را بنویسیم و سر کلاس ببریم. همه ی بچه ها کارشان را شروع کرده اند.

علی: آقا معلم گفته باید تحقیق کنیم. موضوعش خیلی سخت نیست. کافی است زندگی نامه یکی از دانشمندان اسلامی را بنویسیم و سر کلاس ببریم. همه ی بچه ها کارشان را شروع کرده اند. یک نفر در مورد رازی می نویسد یک نفر در مورد خوارزمی یک نفر در مورد ابوعلی سینا و ... اما من هنوز حتی یک خط هم ننوشته ام، چون نمی دانم کدام دانشمند را انتخاب کنم.

به هر کس فکر می کنم می بینم یکی از بچه های کلاس دارد درباره اش تحقیق می کند. دلم نمی خواهد کارم تکراری باشد. دوست دارم تحقیقم با همه ی بچه ها فرق داشته باشد. آقا معلم می گوید: «موضوع تان را با عجله انتخاب نکنید. خوب فکر کنید.» اما من هر چه فکر می کنم به جایی نمی رسم. شاید باید مثل همیشه از آقا بزرگ کمک بگیرم. آقا بزرگ من، معلم معلم مان بوده و هنوز خیلی چیزها برای یاد دادن بلد است. یک عالمه کتاب دارد و همیشه چیزهای خوب و جالبی به ذهنش می رسد که به درد من می خورد.

آقا بزرگ: علی را از بین نوه هایم یک جور دیگری دوست دارم، شاید چون همیشه دلش می خواهد کارهایش را دقیق انجام بدهد. برای او یک کار کلاسی ساده هم اهمیت زیادی دارد. امروز آمده تا با هم در باره ی موضوع تحقیقش حرف بزنیم. او می خواهد در باره ی زندگی یک دانشمند مسلمان تحقیق کند. کتاب هایم را ورق زده ام. خیلی هم فکر کرده ام. دلم می خواهد بتوانم کمکش کنم. قبل از این که بیاید یک کاغذ بر داشته ام و نام خیلی از دانشمندان بزرگ اسلامی را رویش نوشته ام. کاغذ را به او می دهم. امیدوارم کمکش کند.

علی: مثل همیشه آقا بزرگ کمک بزرگی به من می کند. همین که پیش اش می روم کاغذی را کف دستم می گذارد که نام خیلی از دانشمندان بزرگ مسلمان رویش نوشته شده است. خیلی عجیب است. بابابزرگ جلوی اسم خیلی از آن ها نوشته شاگرد امام محمدباقر(علیه السلام)!

آقا بزرگ مثل همیشه می خواهد حواسم را به چیز مهمی جلب کند. به این که امام محمد باقر (علیه السلام) استاد خیلی از دانشمندان مهم بوده اند. اصلاً چرا به جای یک دانشمند، درباره ی کسی که توانسته یک عالمه دانشمند تربیت کند، چیزی ننویسیم؟

دوباره پیش آقا بزرگ می روم. یک کتاب توی دستم می گذارد و می گوید: «می دانی چرا به امام محمد ابن علی (علیه السلام) ما می گویند امام باقر (علیه السلام)؟ باقر یعنی شکافنده ی علم، کسی که توانست هزارها نفر را در کلاس درس خودش تربیت کند و هر چیزی را که می خواست یاد بدهد از فلسفه تا پزشکی و شیمی و...»
کتاب را بر می دارم، تحقیق من با همه فرق خواهد کرد. اسمش را می گذارم معلم دانشمندا